

مدیریت و تطبیق عدالت در جامعه

عدالت در مدیریت دارای جاذبه ای فطری است و نزد وجدان عمومی بشریت، ارزش گراقتدر دارد، زیرا در سایه عدل، هر کسی به حق خویش می رسد، تعدی و تجاوز از جامعه رخت بر می بندد و امنیت و آرامش بر همه جا حاکم می شود.

انسان موجودی زنده است که قادر به تفکر، قضاوت و تصمیم گیری است او ماده ای بی جان نیست که به راحتی در دست دیگران شکل گیرد.

از سوی دیگر، تجمع انسان ها و پیدایش گروه ها و در نتیجه رفتار گروهی به وجود آورده، بر پیچیدگی موضوع افزوده و اداره و کنترل انسان ها را در مدیریت به مراتب دشوار می سازد.

نخست تشخیص استعداد های بالقوه نیرو های شاغل در سازمان و سپس فراهم آوردن امکاناتی برای شکوفایی آنها است.

به همین جهت مردم، بی عدالتی را نکوهش می کنند و عدالت را می ستایند.

انسانها به دلیل داشتن، منافع مشترك و نیازهای متقابل همگانی برای زیست سالم و انسانی، نیازمند روابط عادلانه اند. مدیران اخلاق مدار مسائل و امور مختلف را از سر انصاف و عدالت مورد توجه قرار می دهند.

در جایی که قرار است با افراد مختلف به گونه های متفاوت رفتار شود، باید دلایل رفتار متمایز، روشن و معقول و مبتنی بر ارزش های اخلاقی مستحکم باشد، تنظیم روابط سالم اجتماعی و حفظ حاکمیت ضوابط و قوانین الهی در جامعه مدیریت تنها در سایه عدالت میسر است.

از آنجا که مهم ترین اهداف دولت مدیریت بر عدالت است، هر سیاست و برنامه ای باید در جهت این هدف مدیریت یابد تا سیر به سوی مهم ترین هدف تشکیل حکومت به درستی انجام پذیرد.

عدالت اجتماعی و اقتصادی، زمانی از تضمین کافی برخوردار است که ملازم عدالت و مدیریت حقوق و قضایی باشد.

معیار قرار گرفتن عدالت در مدیریت بدین معناست که امکانات برابر برای پیشرفت و تعادلی همگان فراهم آید و هر کس بدانچه استحقاق دارد، دست یابد، در وضع قانون و اجرای آن به مساوات رفتار شود و تبعیضی بر هیچ کس روا داشته نشود.

اصل عدالت باید در تمام ارکان و شعبون اداره امور جاری باشد تا اهداف مدیریت به درستی تحقق یابد. عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می شناخته و آن را آرمان مطلوب خود می دانسته و برای استقرار آن کوشیده است.

مدیریت یکی از مهمترین متغیرها و عوامل کلیدی در روند رشد و توسعه هر جامعه ای است که در پرتو آن استفاده بهینه از منابع مادی و انسانی صورت گرفته و بهره وری مطلوبی را به دنبال خواهد داشت. وقتی یک کشور در پرتو حکومتمداری خوب و مدیریت سالم، در مسیر توسعه قرار می گیرد و چگونگی تعامل و همکاری میان دولت، سازمان های اجتماعی و بخش های خصوصی بر اساس قانون و معیارهای مشخص شکل می گیرد، شهروندان عادی هم می توانند رابطه خود را با عدالت به گونه بهتر و مطلوبتر تنظیم نمایند. از مهم ترین مختصات پایبندی به عدالت در مدیریت، نخست انتخاب افراد و واگذاری کارها و مسؤلیتها بر اساس شایستگیهای لازم برای آن مسؤلیت است و دیگر آن که دور بودن از خواهشهای نفس، پیوندهای خویشی و ارتباطات ناسالم.

عدالت در مدیریت دارای جاذبه ای فطری است و نزد وجدان عمومی بشریت، ارزش گراقتدر دارد، زیرا در سایه عدل، هر کسی به حق خویش می رسد، تعدی و تجاوز از جامعه رخت بر می بندد و امنیت و آرامش بر همه جا حاکم می شود.

به همین جهت مردم، بی عدالتی را نکوهش می کنند و عدالت را می ستایند. انسانها به دلیل داشتن، منافع مشترك و نیازهای متقابل همگانی برای زیست سالم و انسانی، نیازمند روابط عادلانه اند. مدیران اخلاق مدار مسائل و امور مختلف را از سر انصاف و عدالت مورد توجه قرار می دهند. در جایی که قرار است با افراد مختلف به گونه های متفاوت رفتار شود، باید دلایل رفتار متمایز، روشن و معقول و مبتنی بر ارزش های اخلاقی مستحکم باش تنظیم روابط سالم اجتماعی و حفظ حاکمیت ضوابط و قوانین الهی در جامعه، تنها در سایه عدالت میسر است.

آدمه دارد

با حرمت طوبا هاشمی